

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی
۱۴ جنوری ۲۰۱۵

چرا «جان کری» از داعش نام نبرد؟؟*

یکی از سرخط های مهم اخبار به تاریخ ۱۲ جنوری ۲۰۱۵، مسافرت «جان کری» وزیر خارجه ایالات متحده امریکا به پاکستان بود. «کری» که این سفر را بعد از مسافرت دو روزه در هند انجام می داد، در ختم مذاکرات و حین کنفرانس مطبوعاتی با همتای پاکستانی اش «سرتاج عزیز»، به صورت مشخص بر دو نکته تأکید نمود: نخست تلاش جانب پاکستان به خاطر تشنج زدائی در امر کشمیر و دوم دعوت علنی از پاکستان به منظور مبارزه علیه تروریسم «طالبان افغان، لشکر طیبه و شبکه حقانی» و این که آنها نه تنها دشمن پاکستان اند، بلکه دشمن امریکا و جهان نیز می باشند.

در پاسخ سخنرانی «کری»، «سرتاج عزیز» که یکی از کهنه کار ترین و شارلاتان ترین سیاستمداران پاکستان به شمار می رود، بدون آن که از نهادهای نام ببرد، مواضع دولت پاکستان را چنین بیان داشت: تروریسم خوب و بد ندارد ما متعهد هستیم که علیه انواع تروریسم مبارزه نماییم.

در اینجا به اجازه شما خواننده عزیز، می خواهم به این جنگ لفظی آرام که هریک گویای مواضع جدا گانه است، اندکی توجه تان را جلب نمایم، باشد در تحلیل هایمان، بیشتر از آن که به ظاهر کلمات چرب و نرم سیاستمداران جلب گردیم، متوجه اهداف نگفته آنها نیز باشیم.

نخستین مسأله مسافرت «جان کری» به هند و بی درنگ به پاکستان می باشد. مسافرتی که در هر دو کشور، مطلب مرکزی مذاکره، مبارزه علیه تروریسم و مسأله کشمیر بوده است. هرچند قاعدتاً چنین مسافرت های فشرده ای زمانی صورت می گیرد که طرفین دعوا در حالت «دست به ماشه» مقابل هم صف آرائی نموده باشند و در غیر آن توجیه منطق پسندی برای چنین تحرکاتی نمی توان قایل شد، با آنهم نمی خواهم در آغاز اصل را بر بدبینی قرار داده و بنویسم که نیت سوءامپریالیزم جنایتگستر امریکا «کری» را به چنین مسافرتی کشانیده است، بلکه با تمام حسن نیت می توان ابراز داشت که «کری» می خواهد به دنبال شکست های سیاسی- دیپلماتیک امریکا در خاور میانه و اوکراین و فرو رفتن آن کشور در یک لاک انفعالی، سیاست خارجی کشورش را از انفعال به در آورده، کارش را از مصالحه بین دو قدرت اتومی جنوب آسیا آغاز نماید.

می شد این خوشبینی را داشت، مشروط بر آن که اوضاع منطقه آن طوری که امروز است نمی بود؛ مگر اساس قضیه آن است که اوضاع منطقه آن طوری که سیاست خارجی امریکا می خواهد ترسیم نماید، نیست و عکس آن در جریان است و وزیر خارجه امریکا از این مسافرت به جای دعوت طرفین به آرامش، در واقع مشتعل ساختن یکی از کانون های بحران است به نام قضیه کشمیر که از طرف استعمار پیر به میراث گذاشته شده است.

ما می دانیم که هند و پاکستان هر دو تقاضای عضویت به سازمان همکاری شانگهای داده اند، این را هم می دانیم که در اواخر همین ماه قرار است در اجلاسی که در پایتخت قرقیزستان دایر می گردد، مسأله عضویت کامل هند و پاکستان مطرح گردد. این را هم می دانیم که یکی از اساسی ترین شروط عضویت در آن سازمان، مبارزه علیه افراطگرایی و تجزیه طلبی این و یا آن کشور است، این را هم می دانیم که کشور های هند و پاکستان در صورتی می توانند شامل آن سازمان گردند که اختلافات شان را حل و یا حد اقل، در صدد حل آنها تحت نظارت، همکاری و حکمیت سازمان شانگهای برابند. مسلم است که انجام چنین امری، به معنای کوتاه ساختن دست امپریالیزم جنایتگستر امریکا از کانون بحران کشمیر به شمار رفته، حل نهائی بحران چیزی کمتر از کابوس مرگ جناح نظامی سرمایه های امپریالیستی نمی باشد.

روی همین دلیل است که «کری» در ظاهر با موثر اطفائیه در محل حاضر شده و می خواهد به همه نمایش دهد که گویا دولت امریکا خواهان حل مناقشات می باشد، اما وقتی محتوای موادی که در موثر های اطفائیه وجود دارد، نیک نگریسته شود، دیده می شود که تمام آنها به جای آب، بنزین تانک شده اند و امریکا در صدد آن است تا خروج و آتش نیمه خاموش بحران را با دمیدن به آن و به وسیله بنزین خاموش نماید.

طرح مسأله از طرف امریکا برای هردو طرف ضمن آن که به نحوی ورود مجدد در صحنه را می رساند، به صورت غیر مستقیم می تواند حامل پیام تهدید نیز باشد. پیامی که به یقین از دید نیروهای رقیب نادیده نخواهد ماند و اما به ارتباط طالب و دشمنی با امریکا:

هرگاه به خاطر تان مانده باشد، حدود ۲۰ روز قبل از امروز، وقتی بارک اوباما گزارش سالانه اش را خطاب به مردم امریکا و جهان می خواند، به صراحت گفت که طالب دشمن امریکا نیست. این که امروز بعد از سپری شدن چیزی کمتر از یک ماه وزیر خارجه دولت اوباما و یا به تعبیر دیگر سکاتدار سیاست خارجی آن کشور «کری» می آید و طالب را دشمن امریکا و جهان معرفی می دارد، سوالات چندی را در ذهن انسان زنده می نماید. سؤالی که سرانجام تعیین سیاست خارجی دولت امریکا اصولاً توسط چه کسی صورت می گیرد، اوباما و یا کری؟ اگر اوباما است و در نتیجه طالب دشمن امریکا نیست، پس «کری» چه نشخوار می کند و همین قسم عکس آن.

سؤال دوم این است که با وجود پذیرش اصل عدم موجودیت دوست و دشمن دایمی در سیاست های امپریالیستی و این که دشمن دیروز ممکن است دوست امروز و یا فردا گردد و همین قسم عکس آن، چه تغییری طی این مدت کوتاه در طالب و یا هم امریکا به وجود آمده که باز هم دشمن همدیگر گردیده اند؟ برای پاسخ به این سؤال برمی گردیم به صحبت «سرتاج عزیز» که برای بار اول می گوید: «تروریسم خوب و بد ندارد»

چرا نماینده پاکستان چنین مبهم صحبت می نماید و چرا از هیچ نهادی نام نمی برد و ارتباط این مبهم گوئی با سخنان «جان کری» و تغییر مواضع امریکا در قبال طالب چیست؟ فقط با دقت در این نکته است که می توان به محتوای مذاکرات مخفی «جان کری» و «سرتاج عزیز» پی برد.

امپریالیزم جنایتگستر امریکا با وعده و عید «تروریست خوب» را به رخ پاکستان کشیدن، از آن کشور می خواهد تا نقش گذشته اش را در قبال بسیج، سازماندهی، تربیت و تسلیح تروریست ها خاتمه یافته تلقی نموده، با زیر پای کردن، و دور انداختن کفش های کهنه در وجود «طالب، لشکر طیبه و شبکه حقانی» از کفش های جدید «داعش» استفاده نماید. «داعشی» که هم ثروتمند است و هم بیشتر از دیگران مطیع و دست پرورده و در قسمت حفظ منافع امپریالیزم امریکا و متحدانش «نمک حلال»؛ مگر پاکستان که از یک جانب توان رقابت و پاسخگوئی علنی را مقابل ارباب ندارد و از جانب دیگر نمی خواهد بدون هیچ، به این معامله راضی گردد، خود را هوشیار نشان داده، می گوید «تروریسم خوب و بد ندارد».

از مجموع این بحث می توان نتیجه گرفت که امپریالیزم جنایتگستر امریکا به خاطر جایگزین ساختن داعش در عوض طالب دست و آستین را بر زده، چه بسا یک و یا چند تن از آنانی را که طی بیش از ۱۲ سال در زیر تربیت مستقیم «سیا» و پروژه های مغز شوئی آنها در گوانتانامو، بگرام و ... قرار داشته، در آستین داشته باشد تا حین ضرورت در مقابل «امیر المؤمنین ملا عمر آخوند زاده» مورد بهره برداری قرار بدهد و بر همین مبنا وقتی می خواهد از تروریستان نام ببرد، آگاهانه «داعش» را از قلم می اندازد، زیرا «اوباما» خیلی روشن و واضح گفته است: «تروریست کسی است که منافع امریکا را تهدید نماید»

***نوشته حاضر می تواند به مثابه مکمل نوشته « باز هم آینده خونین در انتظار مردم افغانستان» به شمار آید. - م**